

بسم الله الرحمن الرحيم



نام کتاب: نیایش امام حسین (ع) در روز عرفه



کاری از: محمد مهدی حاجی پروانه

نویسنده: ماشا... رهبران یزدی

منبع: www.ahl-ul-bait.org



نیایش امام حسین (ع) در روز عرفه

مقدمه

از جمله دعاهای حضرت سیدالشهدا (ع) دعای معروف عرفه است که بنا بر آنچه مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح ذکر نموده، بشر و بشیر، پسران غالب اسدی نقل کرده‌اند که عصر روز عرفه در عرفات خدمت آن حضرت بوده‌اند. پس حضرت از خیمه بیرون آمد و با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع بر جانب چپ کوه ایستادند و روی خود را مقابل کعبه گردانیدند و دست‌ها را برابر رو، بالا گرفتند؛ مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند. قبل از دعای آن حضرت چند مسئله درس‌آموز، گنج‌انیده شده است که در ذیل به آن می‌پردازیم:

1 - زمان دعا

از روایات فراوانی که در دست است، این معنا تصدیق می‌شود که زمان‌ها در اجابت و قبول دعا تأثیر فراوانی دارند که بعضی روایات صراحتاً و بعضی به‌طور ضمنی به این معنا اذعان دارند، اما آن روایاتی که تصریح دارند بر مداخله زمان‌ها در تأثیر دعا:

1 - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَانَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ السَّاعَةِ الَّتِي يَسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: مَا بَيْنَ فَرَاغِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَيَّ أَنْ تَسْوِيَ الصُّفُوفَ، وَسَاعَةَ آخِرِ النَّهَارِ الَّتِي غَرُبَ الشَّمْسُ، وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَدْعُو فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ.»

در این حدیث راوی از امام صادق (ع) از زمانی که در روز جمعه دعا مستجاب می‌شود، سؤال می‌کند و امام به دو زمان در روز جمعه اشاره می‌فرماید؛ اول، زمانی که خطیب و امام جمعه خطبه‌ها را تمام کرده و آماده برای اقامه نماز جمعه می‌شود، در آن چند لحظه، و دیگر ساعت آخر روز جمعه تا هنگام غروب خورشید که حضرت زهرا 3 هم در آن وقت دعا می‌فرمودند. و یکی از دعاهای

معروف یعنی دعای سمات هم که اکثر علمای سلف، بنابر قول محدث قمی بر آن مداومت داشته‌اند، در همین زمان است.

2 - عَنْ أَبِي بصير عن أبي جعفر(ع): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَأْمُرَ مَلَكًا فِينَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جَمْعَهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِهْلِي آخِرَهُ: أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِأَخْرَجْتَهُ وَدُنِيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَاجِيبْهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِهْلِيٍّ مِنْ ذُنُوبِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَاتُوبْ إِلَيْهِ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ...؛

ابوصیر از امام باقر(ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند خدای تبارک و تعالی در هر شب جمعه ملکی را امر می‌کند که به مردم از بالای عرش ندا دهد که آیا بنده مؤمنی هست که مرا بخواند برای کاری از امور دنیا و آخرتش تا قبل از طلوع فجر از گناهش درگذرم». و در دنباله حدیث همین‌طور سوال‌ها می‌شود ولی با محدودیت زمان تا هنگام طلوع فجر.

و اما بعضی روایات به‌طور ضمنی دلالت بر تأثیر دعا در زمان خاص دارند و آن روایاتی است که دعایی را برای وقت مخصوصی ذکر کرده‌اند: در عید قربان این دعا را بخوان، یا در شب جمعه دعای کمیل بخوانید، یا در شب‌های ماه رمضان دعای افتتاح بخوانید، یا در دهه آخر ماه رمضان می‌گویید، در شب بیستم این دعا را بخوان و شب بیست و یکم دعای دیگر الی آخر.

Translation Movement
INS

2 . دعای دسته‌جمعی و گروهی

در این‌جا امام حسین(ع) با گروهی از اهل بیت و فرزندان خود دست به دعا برداشتند، در صورتی‌که مانعی نبود که خود آن حضرت به تنهایی سراغ دعا بروند. پس معلوم می‌شود در دعای دسته‌جمعی امیدی بیشتر برای استجاب است و روایاتی هم در این زمینه داریم که به دو روایت اشاره می‌شود.

1 - قال أبو عبد الله (ع): «**ما من رهط أربعين رجلاً اجتمعوا فدعوا الله عزَّوجلَّ في أمرٍ إلاَّ استجاب الله لهم؛** امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند دعای چهل نفر را حتماً مستجاب می‌گرداند.»

2 - عن أبي عبد الله (ع) قال: «**كان أبي (ع) إذا حزبه أمرٌ جمع النساء والصبيان ثمَّ دعا وأمنوا؛** از امام صادق (ع) نقل شده است که پدرم هرگاه چیزی او را محزون می‌ساخت، زن و بچه‌ها را جمع می‌فرمود و سپس دعا می‌فرمود و آنان آمین می‌گفتند.»

3 - دعا با حال خشوع و تذلل

خداوند متعال می‌فرماید: **(أدعوا ربكم تضرعاً وحفياً إنَّه لا يحب المعتدين).**

در این آیه مبارکه، خداوند ما را امر فرموده که در حال تضرع و ترس خدای خود رابخوانیم و حضرت اباعبدالله در روز عرفه، با حالت خشوع با اهل بیت و شیعیان دست به دعا برداشتند و در حدیث از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: **«اغتنموا الدعاء عند الرقة، فإِنَّها رحمة؛** دعا را غنیمت شمردید، در هنگامی که رقت قلب دارید که آن رقت رحمت است». یعنی در هنگام رقت قلب دعا بیشتر مستجاب می‌شود.

و ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده که: **«إِذَا بَرَقَ أَحَدُكُمْ فليدع فإِنَّ القلب لا يبرق حتى يخلص؛** هرگاه رقت قلب پیدا کردید پس دعا کنید چون قلب رقت پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خالص شود.»

4 - مکان دعا

بی‌شک، مکان‌ها در اجابت دعا تأثیر فراوانی دارند که بهترین مکان‌ها برای دعای مساجد و بالاترین مساجد، مسجد الحرام و کنار کعبه و غیر از مساجد زیر گنبد حائر حسینی در کنار ضریح حضرت اباعبدالله و همچنین صحرائی عرفات که از

مکان‌های مقدس است و دعا در آن به اجابت می‌رسد و پیامبران الهی در آنجا به استغاثه نزد پروردگار پرداختند. بنابر آنچه از تفسیر البرهان نقل شده که حضرت آدم(ع) به راهنمایی و دستور جبرئیل(ع) در روز عرفه، وقوف در عرفات نمود و در هنگام عصر این کلمات را بر زبان جاری می‌ساخت:

«سبحانك اللهم وبحمدك لا اله الا انت عملتُ سوء وظلمت نفسي

واعترفت بذنبي اغفر لي اِنَّكَ انت الغفور الرَّحيم». و تا به هنگام غروب آفتاب

همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک می‌ریخت.

از جمله پیامبران که در عرفات وقوف داشت، حضرت ابراهیم(ع) بود که پیک‌وحی الهی، مناسک حج را به او آموخت و حضرت ابراهیم(ع) در برابر می‌فرمود: **«عَرَفْتُ عَرَفَتُ؛ شَنَاخْتُمْ، شَنَاخْتُمْ»**.

و نیز دامنه کوه عرفات، در صدر اسلام کلاس صحرايي پیامبر بزرگوار اسلام(ص) بود و بنا بر گفته مفسران، آخرین سوره قرآن در صحرايي عرفات بر پیغمبر اکرم(ص) نازل شد.

دعای عرفه: در این دعا که در عصر روز عرفه تا هنگام غروب آفتاب، از حلقوم بهترین خلائق در بهترین زمان‌ها و مکان‌ها و در بهترین حالات خارج شد، مجموعه‌ای از معارف و حقایق و فشرده‌ای از ایمان و اقرار و گوشه‌ای از برشماری نعمت‌های الهی و قصور بندگان و درخواست‌ها و نیازهای بندگان و غنا و الطاف بی‌پایان الهی بود که بیشتر از پنجاه مطلب کلی در آن گنجانیده شده، بعلاوه شامل ده مرتبه حمد و سپاس الهی و هشتاد بار درود و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و 32 مرتبه خطاب به «اللهم ویا الهی» و 16 مرتبه «سبحانك» و 15 مرتبه «لااله الا انت» است.

اما اهمّ عنوان‌هایی که می‌شود برای این دعا وضع نمود یا مسائلی که حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در این دعا بدان اشاره کرده‌اند و این دعا را امتیازی دیگر بخشیده، بدین قرار است:

1. اشاره به توحید و صفات باری تعالی

حضرت اباعبدالله(ع) دعای عرفه را با حمد خداوند بدین صورت شروع می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصَنْعِهِ صَنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ...؛ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که از قضای او برای کسی سربلجی نیست و مانعی نیست که بتواند او را از عطا منع کند و صنعت هیچ صنعت‌گری به پای صنعت او نمی‌رسد و او بخشنده بی‌پایان است.»

آنچه در این قسم باید بدان اشاره شود شروع دعای عرفه، با حمد و ثنای الهی است که اباعبدالله بدان اشاره کرده و امام صادق(ع) ثنای بر خدای متعال و مدح او و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) را از آداب دعا برمی‌شمارد: قال ابوعبدالله(ع): «إِيَّاكُمْ أَعْزُّوا آرَادَ أَحَدِكُمْ أَنْ يَسْئَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَالْمَدْحَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيَّ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ يَسْئَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ؛ امام صادق(ع) می‌فرماید: بر شما باد هرگاه یکی از شما اراده دارد چیزی از حوائج دنیا یا آخرت را، به ثنا از خداوند ابتدا کند و حمد خدای متعال و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و سپس از خداوند حوائج خود را بخواهد.»

نهضت ترجمه
Translation Movement

2. شهادت به ربوبیت و مراتب خلقت:

«فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْزِلُهُ وَلَا يَسْتَعِينُهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرَّبُوبِيَّةِ لَكَ مَقَرّاً بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي أَعْبَدُكَ مِنِّي بِبِعَمَّتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي الْإِصْلَابَ؛ ... خدایی غیر او نیست و چیزی با خداوند معادل و مساوی نیست و مثل ومانندی ندارد و او شنوا و بیناست و لطیف و آگاه است و بر هر کاری قادر. خداوند، من روی به تو آورده‌ام و شهادت به ربوبیت تو می‌دهم و اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و این که بازگشتم

به سوي توست، مرا با نعمت آغاز كردي، قبل از آنكه چيزي ذكر كردني باشم
ومرا از خاك خلق نمودي و سپس مرا در صلبها قرار دادی و...»

3 - هدايت از آن خداست:

در اين قسمت از دعا اشاره به الطاف الهي نسبت به خویش و هدايت الهي
است كه آن حضرت مي فرمايد:

**«وَلُطْفِكَ لِي وَاحْسِنْ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ
وَكَذَّبُوا رِسْلَكَ لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ
الْهَدْيِ الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي؛** خدايا، لطف و احسان تو به من در
دولت طاغوت و كفر، آن كساني كه نقض عهدبا تو كرده اند و تكذيب پيامبرانت
نموده اند، آنكه تو مرا به رأفت خود از آن دسته خارج ساخته اي و چشم مرا
به سوي هدايت گشودي و راه هدايت را براي من آسان نمودي و مرا در هدايت پرورش
دادی.

4 - شناخت خویش و مراتب رحم:

**«وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صَنْعِكَ وَسَوَائِغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ
خَلْقِي مِنْ مَنِّي يَمَنِي' وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ
نَشْهَدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِي؛** و قبل از هدايت مرا با صنع
زيبايت مورد رأفت و نعمت هاي بي كرات قرار دادی، پس آفرينش مرا از آبي جهنده
پديد آوردی و مرا در ظلمت هاي سه گانه قرار دادی، میان گوشت و خون و پوست و
مرا شاهد آفرينش خود نگردانیدی و هيچيك از امورم را به خودم واگذار نكردي.»

5 - اشاره به الطاف خداوند پس از تولد:

**«ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهَدْيِ الَّتِي الدُّنْيَا تَأْمَأُ سَوِيًّا
وَحَفَظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ
قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمِ وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ
وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمَ يَا رَحْمَنَ؛** سپس مرا براي

آنچه در پیش قرار داده‌ای، از هدایت به دنیا آوردی، در حالی که موجودی کامل و سالم مرا خلق نمودی و مرا در گهواره هنگامی که طفل کوچکی بودم، حفظ نمودی و مرا از شیر شیرین و گوارا تغذیه نمودی و دل‌های پرستاران را به من مهربان ساختی و با مادران رحم‌ها، مرا فروغ بخشیدی و از گزندهای آشکار و پنهان حفظ نمودی و مرا از زیادی و نقص خلقتم ایمن داشتی. پس بزرگی سزاوار توست ای خدای که نسبت به بندگان بخشنده و مهربان هستی».

6 - اشاره به اکمال فطرت و اتمام نعمت:

«حَتَّىٰ إِذَا اسْتَهْلَيْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْاِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي زَانِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّىٰ إِذَا اكْمَلْتَ فِطْرَتِي...؛ تا این که مرا سخن آموختی و نعمت‌های بی‌پایانت را بر من تمام کردی و سال به سال بر رشد و تربیتم افزودی و فطرت من را کامل ساختی...»

7 - اشاره به الهام معرفت از طرف حق و اتمام حجت:

«أَوْحَيْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ يَا اَلْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَابِ حِكْمَتِكَ وَأَيَّقَطْتَنِي لِمَا دَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ؛ می‌فرماید: حجت را بر من تمام کردی که معرفت خود را به من الهام فرمودی و عجایب حکمت را در ضمیرم انداختی و مرا بیدار و آگاه ساختی از اسرار آفرینش در آسمان و زمین از خلقت، و بیدارم کردی تا شکر تو گویم و یاد تو باشم.»

8 - واجب کردن طاعت بر بنده:

«وَأَوْحَيْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رِسَالُكَ؛ طاعت و عبادت خود را بر من واجب ساختی و آنچه پیامبران آوردند به من آموختی.»

9 - اشاره به نعمت‌های ظاهری:

«ثم اءد خلقنتي من خير الثري لم ترض لي يا الهي نعمة دون اخري
ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياس بمنك العظيم الاعظم عليّ
وإحسانك القديم؛ سپس چون مرا از بهترین خاک آفریدی، راضي نشدی که
نعمتي را از من دریغ نمایی و مرا از انواع وسایل زندگی و از لذت‌های مختلف
بهره‌مند ساختی، با لطف و احسان فراوان و مرحمت‌بی‌کرانت بر من و احسان
همیشگی است.»

10 - واکنش خداوند به اعمال بنده:

«فإئن دعوتك أحببني وإئن سئلتك أعطيتني وإئن اطعتك
شكرتني...؛ اگر به درگاهت دست به دعا برداشتم اجابت‌م کردی و اگر از تو چیزی
خواستم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم از من تقدیر کردی.»

11 - خدا را به بزرگی یاد کردن

«فسبحانك سبحانك من عبدي معيد حميد تقدست اسمائك...؛ منزه
است خدا، منزه است آن‌که آغاز گردد، برگرداننده ستوده است و بزرگواری نام‌هایت
مقدس است.»

نهضت ترجمه

Translation Movement

12 - شهادت به ایمان حقیقی:

«وانا اشهد يا الهي بحقيقة ايماني و عقد عزمات يقيني وخالص
صريح توحيدي...؛ خدايا، من به حقیقت ایمانم شهادت می‌دهم و همچنین به
تصمیمات متقن خود و به توحید صریح و خالصم و...»

13 - برشمردن نعمت‌های بدنی و لطایف آن:

«وباطن مكنون ضميري و علائق مجاري نور بصري و اسارير صفحة
جبيني و خرق مسارب نفسي و...؛ و به باطن نادیدنی نهادم و پیوسته‌های
جریان نور دیده‌ام و خطوط ترسیم شده بر پیشانی‌م و روزه‌های تنفسم و...»

14 - ناتواني در بجا آوردن شکر نعمت:

«ان لو حاولتُ واجتهدتُ مدي الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان أودّي شكرواحدةٍ من أنعمك ما استطعت ذلك اءلاً بمنك الموجب عليّ به شكرك أبداً جديداً...؛ گواهي مي‌دهم اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بکوشم تا شکر يکي از نعمت‌هاي تو را به جاي آورم نتوانم مگر آن‌که بازهم توفيق از طرف تو به من رسد که آن خود مزيد نعمت و مستوجب شکري ديگر است.

15 - استدلال به آیات الهي بر بيکران بودن نعمت‌ها:

«انت المخبر في كتابك الناطق والنبا الصادق: (وإئن تعدّوا نعمة الله لا تحصوها) صدق كتابك اللهم و انبائك؛ در کتاب گويائيت و خبر راست خود فرمودي: اگر بخواهيد نعمت‌هاي الهي را برشمريد، نتوانيد. من گواهي مي‌دهم که کتاب و گزارشت راست است...»

16 - شهادت به وحدانيت خدا با تمسک به آیات قرآن

«الحمد لله الذي لم يتخذ ولداً فيكون موروثاً ولم يكن له شريك في ملكه و... لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا و...؛ حمد و ستايش خدائي را که فرزندي ندارد تا ميراث براو باشد و شريك ندارد در ملك و حکومتش... اگر در آسمان و زمين، خدائيان به جز خدائيگانه بودند، در زمين و آسمان فساد و نابودي پيش مي‌آمد.»

17 - درخواست‌هاي والاي روجي

«اللهم اجعلني اخشاك كآني أراك وأسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك و...؛ خدایا چنان کن که فقط از تو بیم داشته باشم، آن‌چنان که گویا تو

را مي بينم و مرا با تقوايت با سعادت كن و براي معصيت خودت مرا به شقاوت دچار مساز...»

18 - حمد و سپاس بجهت تربيتهاي خدايي

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحِمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيّاً...؛ خدايا حمد مخصوص توست، آن چنان كه مرا آفريدي، پس قرار دادی مرا شنوا و بينا، و حمد مخصوص توست كه مرا آفريدي و خلقم را نيكو بياراستي براي لطفي كه به من داشتی، در حالي كه از خلقت من بي نياز بودی.»

19 - احتياجات و درخواست هاي تربيتي از خدا

«وَاعْنِي عَلِي بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ...؛ خدايا مرا بر مشكلات روزگار و كشمكش شبها و روزها ياري فرما و مرا از مشكلات اين جهان و سختي هاي آن جهان نجات بده.»

20 - شكايته ها

«الهي الي من تكلمي؟ اءلي قريب فيقطعني ام اءلي بعيد فيتجهمني ام الي...؛ خدايا! مرا به كه وامي گذاري؟ آيا به خويشاوندان كه پيوند خويشاوندي را خواهند گسست؟ يا به بيگانه كه بر من برآشفتند؟»

21 - درخواست راحتي هنگام مرگ

«فاسئلك يا ربُّ بنور وجهك الَّذي اشرق له الارض والسَّمَوَاتِ وَكشفت به الظلمات وصالِح به امر الاولين والاخرين ان لا تميتني علي غضبك ولا تنزل بي سخطك...؛ از تو درخواست مي كنم به نورت كه با آن آسمان و زمين را روشن ساختی و پرده از تاريخي ها برداشتي و با آن كار اولين و

آخرين را اصلاح مي‌گرداند که مرا به حالخشم و غضبت و نمیراني و غضب خود را بر من فرود میاور.»

22 - خدای را به اسامی مختلف خواندن

«لا اءله اءلاً انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الّذي احللته البركة وجعلته للناس أمناً يا من عفا عن عظیم الدّنوب بحلمه يا من اسبع النّعماء بفضله...؛ نیست خدایی به جز تو پروردگار شهر حرام (مکه) و مشعرالحرام خانه‌ای که آنرا با برکت قرار دادی، و آن را برای خلائق امن قرار دادی ای کسی که می‌بخشد از بسیاری از گناهان به حلمش. ای کسی که نعمت‌هایت را با فضل خویش انعام می‌فرمایی.»

23 - اشاره به روز قیامت و منزل قبر

«يٰ اءدّتي في شدّتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي يا وليي في نعمتي؛ ای پشتوانه روز سختی‌ام، ای مونس تنهایی‌ام، ای فریادرس سختی‌هایم، ای ولی نعمت من.»

24 - اقرار به خدا و پیامبران و کتب آنان و ملائکه مقربان

«يا اءلهي وءله آبائي ابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب وربّ جبرئيل وميكائيل واسرافيل وربّ محمدٍ خاتم النبيين وءله المنتجبين منزل التوراة وءل انجيل والزبور والفرقان...؛ ای خدای من و ای خدای پدران من ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و ای خدای جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای محمد(ص) خاتم پیامبران و فرزندان برگزیده‌اش، ای فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن.»

25 - تو پناهگاه منی

«انت كهفي حين تعيني المذاهب في سعتها وتضيق بي الارضُ
برحبها...؛ توپناه گاه مني وقتي كه راهها بر من با همه وسعت صعب و دشوار
شوند و وسعت زمين بر من تنگ شود.»

26 - اشاره به رفعت شأن خدا

«يا من خصّ نفسه بالسُّمُوِّ والرفعة فاوليائه يعزّه يعتزّون يا من
جعلت له الملوك نير المذلة علي اعناقهم؛ اي كسي كه بزرگي و رفعت را ويژه
خود قرار داد و دوستانش در سايه عزت او عزيزند، اي كسي كه بر گردن
پادشاهان، طوق مذلت افكند.»

27 - اشاره به علم خدا

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورَ وَعَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَمْنَةُ
والدُّهُور...؛ اي كه نگاه پنهاني را و آنچه در سينهها مخفي است و آينده و جريان
زمان و دوران رامي داني.»

28 - اشاره به لطف الهي به پيامبران: (حضرت يوسف(ع))

«ي' ا مَقِيصَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرَ وَمُخْرَجَهُ مِنَ الْجُبِّ؛ اي كه
كاروان مصر را در صحرا ننگه داشتني تا يوسف را از چاه بيرون آورند.»

29 - لطف خدا به حضرت ايوب(ع)

«يا كاشف الصّرّ والبَلْوي' عَن اَيُّوب؛ اي برطرف كننده رنج و بلوي از حضرت
ايوب.»

30 - لطف خدا به حضرت ابراهيم(ع)

«وَيُمْسِكُ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الذَّبْحِ إِنَّهُ بَعْدَ كَبَرِ سِنِّهِ وَقِنِ أُمَّرِهِ؛ أَيُّ بَازِدَارِنْدَةُ دَسْتِ هَايِ اِبْرَاهِيمِ اَزْ ذَبْحِ فَرْزَنْدَشْ پَسْ اَزْ اَنْ كِهْ اَوْ رَا دَرِ سَنِّ پِيرِي وَ سِپَرِي شَدَنِ عَمْرِدَارَايِ اَوْلَادِ كَرْدِي».

31. لطف الهی به حضرت ذکریا (ع)

«يَا مَنْ اسْتَجَّ ابَّ لِيْزَكْرِيَّا فَوَهَّبَ لَهٗ يَحْيٰى وَلَمْ يَدَعُهٗ فَرْدًا وَّحِيْدًا؛ أَيُّ كَسِي كِهْ دَعَايِ زَكْرِيَّا رَا بِهْ اِجَابَتِ رَسَانِيْدِي وَ بِهْ اَوْ فَرْزَنْدِي (بِنَامِ) يَحْيٰى دَادِي وَ اَوْ رَا تَنَهَا وَ بِي كَسْ قَرَارِنْدَادِي».

32. لطف الهی به حضرت یونس (ع)

«يَا مَنْ اَخْرَجَ يُوْنُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوْتِ؛ أَيُّ كَسِي كِهْ يُوْنَسْ رَا اَزْ شَكْمِ مَاهِي بِيْرُوْنِ اَوْرْدِي».

33. لطف الهی به حضرت موسی و بنی اسرائیل

«يَا مَنْ فَلَاقَ الْبَحْرَ لِبَنِيْ اِسْرَائِيْلَ فَاَنْجَاهُمْ؛ أَيُّ كِهْ دَرِيَا رَا بَرَايِ بَنِيْ اِسْرَائِيْلِ وَ حَضْرَتِ مُوسٰى شِكَاْفَتِي وَ اَنَانِ رَا نِجَاتِ دَادِي».

Translation Movement

34. اشاره به نعمت باد

«يَا مَنْ اَرْسَلَ الرَّيِّ اِحْ مَبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِّ رَحْمَتِهٖ؛ أَيُّ كَسِي كِهْ بَادَهَا رَا پِيَامِ اَوْر وَ بِيْشَارَتِ دِهَنْدَةُ بَارَانِ رَحْمَتِ فَرْسْتَادِي».

35. اشاره به لطف حق نسبت به گناهکاران:

«يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلٰى مَنْ عَصٰهُ مِنْ خَلْقِهٖ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُوْلِ الْجُحُوْدِ و...؛ أَيُّ كِهْ دَرِ مِجَازَاتِ بِنْدِگَانِ گَنَهْ كَارَشِ عَجَلَهٗ نَمِي كَنْدِ. أَيُّ كَسِي كِهْ جَادُوْگَرَانِ رَا پَسْ اَزْ زَمَانِ طَوْلَانِي جُحُوْدِ وَ عِنَادِ نِجَاتِ دَادِي».

36 - برشمردن نام و صفات خداوند

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ بَدءِ لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا

حِينَ لَا حَيٍّ...؛ اي خدا، اي خدا، اي آفريننده، - اي خالقي که مانند نداری؛ اي کسی که همیشه هستی و فنا برای تونیست، اي زنده ازلی که وقتی تو زنده بودی، هیچ کس نبود.»

37 - برآورنده نیازها

«يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَا نِي وَعَرِيًّا أَنَا فَكَسَّ نِي وَجَائِعًا

فَأَشْبَعَنِي وَ...؛ اي کسی که در حال مریضی خواندم او را و مرا شفا داد و در عریانی او را خواندم، پوشانیدم؛ در گرسنگی خواندمش، سیرم ساخت...»

38 - اشاره به نعمت‌ها و الطاف الهی خویش

«يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ،

أَنْتَ الَّذِي أَحْمَلْتَنِي...؛ اي خدای من تو آن هستی که بخشودنی، تو کسی هستی که نعمت دادی، تو کسی هستی که نیکویی کردی، تو کسی هستی که نیک و زیبا ساختی.»

Translation Movement
IMS

39 - اعتراف به گناهان

«ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَعْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا

الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ...؛ این من هستم که بااعتراف به گناه خویش پوزش می‌طلبم، بر من ببخش، من هستم که بد کردم، من هستم که خطا کردم، من هستم که در گناه اصرار ورزیدم، من هستم که جهالت کردم، من هستم که غفلت کردم، من هستم که سهو کردم.»

40 - اعتراف به نافرمانی در مقابل اوامر الهی

«إِلٰهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتَكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذِي بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ...؛ خدایا مرا به نیکی امر کردی پس نافرمانی کردم و از بدیها نهی کردی و من مرتکب شدم، اکنون بهانه‌ای ندارم تا از آنچه از دست‌رفته معذرت بخواهم.»

41 - تسبیح و تهلیل

بیشترین تسبیح و تهلیل در دعای عرفه اینجاست که شروع آن با ذکر یونسیه است:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحٰنَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحٰنَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحٰنَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخٰئِفِينَ...؛ نیست خدایی به جز تو منزّه هستی و من از ظالمان هستم. نسبت به خدایی به جز تو و منزّه و پاک‌ی و من از کسانی هستم که طلب مغفرت می‌کنم، نیست خدایی به جز تو و منزّه‌ی و من از موحدان هستم، نیست خدایی به جز تو و منزّه‌ی و من از ترسیدگان هستم.»

Translation Movement
IMS

42 - ثنای خداوند

«اللّٰهُمَّ هٰذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَاِئْتِمَارِي بِأَلَائِكَ مُعَدِّدًا...؛ خدا یا این است ثنای من در پیش‌گاه مجد و عظمت تو و اخلاص من در ذکر تو و اقرار من به مقدار معبود از نعمت‌هایت.»

43 - درخواست اتمام نعمت

«وَأْتِمُمْ عَلَيْكَ نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنِي بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

خدایا نعمتت را بر ماتمام کن و سعادت طاعت را به ما ارزانی فرما. منزّه هستی تو. نیست خدایی به جز تو».

44 - برطرف‌کننده سختی‌ها و مشکلات و عطاکننده خیرات

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي

السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ...؛ خدایا، تو درماندگان را اجابت کنی و بدی‌ها را برطرف می‌کنی و به فریاد بلا دیده‌ها می‌رسی و مریض را شفا می‌دهی و فقیر را غنی می‌بخشی».

45 - درود بر پیامبر و درخواست بهترین عطاها

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ؛ بر محمد و خاندان او درود فرست و در این شام‌گاه از بهترین نعمت‌هایی که به بندگان واقعت عطا می‌کنی به من عطا کن».

46 - گسترش رحمت خداوند

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ أُنْجِبَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفِيَ

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطِيَ وَأَسْمَعُ مَنْ سِئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا...؛ خدایا تو نزدیک‌ترین کسی هستی که از او چیزی می‌خواهند و سریع‌ترین هستی در اجابت و کریم‌ترین از جهت گذشت و از هر بخشنده‌ای و از هر بخشنده‌ای گسترده‌تر و از هر پذیرنده‌ای شنواتر، ای بخشایش‌گر و مهربان دنیا و آخرت.»

47 - گسترش علم و قدرت و رأفت خدا

«أَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدَرَ وَقَدَرَ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسْتَرَوْ... وَوَسِعَ
 الْمُسْتَقْلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا؛ خداوند! ای کسی که فرمان روا و توانا و قادر و
 قاهر هستی، پرده پوش گناه بندگان... و رأفت و مهربانی و بردباریت همه را
 فراگرفته است.»

48 - توسل به پیامبر نزد خدا

«أَللّٰهُمَّ إِيَّاكَ نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهُ الْعَظَمَةَ يَا
 مُحَمَّدَ نَبِيَّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ...؛ خدایا در این شامگاه به سویی تو رو
 آوردیم، شامگاهی که آن را شرافت و عظمت بخشیدی به وسیله محمد(ص)
 پیامبرت و رسولت و بهترین از خلایقت.»

49 - دعای رستگاری

«أَللّٰهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُخَجِّينَ مُغْلِحِينَ...؛ خدایا ما را در این
 وقت پیروز و رستگار فرما و...».

50 - دعا برای قبولی حج

«إِيَّاكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آتِينَ قِاصِدِينَ قَاعِنًا عَلِيًّا
 مِنْ أَسْكَنْنَا وَأَكْمَلْنَا لِنَحْجَّكَ...؛ خدا یا از روی اخلاص به تو روی آورده ایم و به
 سوی خانه ات آمدیم پس ما را برانجام مناسک حجه یاری کن و حج ما را کامل
 گردان.»

51 - درخواست های شب عید

«أَللّٰهُمَّ فَاعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَأَكْفِنَّا مَا
 اسْتَكْفَيْنَاكَ... وَأَعِنِّي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ أَللّٰهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي؛ خدایا آنچه در
 این شامگاه از تو خواسته ایم به ما عطا فرما و آنچه انجامش را از تو خواسته ایم
 کفایت فرما...»

«ولا تستدرجني ولا تخدعني وأدر أعني شر فسقة الجن والانس؛

مرا از آتشرهائي بخش و با من مکر مکن و مرا غير شاکر قرار مده و رسوا مکن و از من شر فاسقان از جن و انس را دور کن...».

52 - پایان دعا

در آخرین جمله بالا، امام حسین با چشمانی پر از اشک رو به آسمان کرد و با صدای بلند این چنین به دعای خود پایان داد:

«يَا اسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا اسْرَعَ الْحَاسِبِينَ...»

یارب یارب یارب.»

این بود چکیده‌ای از دعای عارفانه حضرت سیدالشهدا (ع) در روز عرفه که در آن دنیایی از معارف است که دهها کتاب درباره آن به رشته تحریر درمی‌آید در آن هم‌شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت خاتم‌الانبیا محمد (ص) و اعتقاد به روز قیامت، به چشم می‌خورد.

آنچه از حمد و ستایش پروردگار را لایق است از زبان عارف‌ترین اهل زمان است که سرانجام در پای دین حق، دست از جان شست و سرای باقی را بر ماندن و زندگی باستم‌گران ترجیح داد.

در این دعا قدرت لایزال الهی را در چندجا بیان می‌دارد و همچنین علم خداوند به «ما کان و ما یكون و ما هو کائن و خائنة الاعین وما تخفي الصدور» و مراتب نعمت‌های الهی؛ نعمت‌های ظاهری که انسان از آن استفاده می‌کند و نعمت‌هایی که در قالب این بدن، خداوند ارزانی داشته، از چشم و گوش و حتی چین‌های روی پیشانی که خداوند از روی حکمت به بشر داده و جمال و زیبایی که خدا به بشر داده و احسان و انعامی که کرده است.

همچنین الطاف خداوندی درباره چند تن از پیامبران بزرگوارش را هم چون حضرت یوسف (ع) و حضرت یونس (ع) و حضرت ایوب (ع) و حضرت زکریا (ع) و

حضرت ابراهیم(ع) و آن لطفی که به بنی اسرائیل مرحمت نموده و آنان را از فرعونیان نجات بخشیده، یاد می‌کند.

در این دعا مراحل ثنای الهی و حمد و ستایش او را به طور وافر می‌یابیم. این دعاهم درس دعا کردن را به ما می‌دهد و هم این‌که ما باید دنبال چه جریانی باشیم و از چه چیزهایی متنفر باشیم و دوری کنیم، به علاوه آن‌که در چند جای دعا، دعای مقبولة حضرت حق که همان صلوات بر پیامبر و خاندان او بوده، تکرار می‌شود و همچنین مقام و شأن نبی اکرم را گوش‌زد می‌کند که دعای همراه با صلوات بر پیامبر، حتماً به اجابت خواهد رسید. امیدوارم خدای متعال در همه امور و همچنین در دعا کردن ما را پیروا هل بیت: قرار دهد.

ما شاء الله رهبران یزدي

نهضت ترجمه
Translation Movement
.INS